

## نگاهی گذرا به بخش صنعت استان کرمانشاه در ۸ نکته و ۸ تحلیل

### نکته ۱:

از حدود ۱۰۰۰ واحد صنعتی دارای جواز بهره برداری حدود ۳۰۰ واحد فعال هستند و ظرفیت بهره برداری شده این ۳۰۰ واحد نیز نزدیک ۵۰ درصد است.

### تحلیل ۱:

ظرفیت بالقوه بخش صنعت استان نسبت به آنچه از آن بالفعل شده است بسیار بالاتر است. از هر ۱۰۰ تومانی که در بخش صنعت سرمایه گذاری کرده ایم ۳۰ تومان آن به بهره برداری رسیده است و آن هم با بهره وری ۵۰ درصد. در کل نرخ بهره برداری از هر واحد سرمایه گذاری صنعتی در استان نزدیک ۱۵ درصد است. از هر واحد سرمایه گذاری صنعتی در استان ۷۰ درصدش بیکار میماند و ۳۰ درصدی هم که به بهره برداری میرسد با نرخ ۵۰ درصد است. عناصری که باعث شده اند تا نرخ بهره برداری از هر واحد سرمایه گذاری صنعتی در استان به ۱۵ درصد برسد، به صورت تاریخی و ساختاری انسجام یافته اند به صورتی که حداقل در ده سال گذشته این ویژگی اصلی بخش صنعت استان بوده است. تقریباً با همین نرخ بهره برداری صنعتی در استان هر نوع سرمایه گذاری جدید صنعتی ظرفیت بالقوه تولید صنعتی را در استان بالا برده است بدون این که بتواند اثر معنی داری در تولید صنعتی در استان داشته باشد.

### نکته ۲:

ارتباطات پیشین و پسین واحدهای صنعتی در استان در سطح بسیار پائینی است، حتی در شهرکهای صنعتی.

### تحلیل ۲:

بنگاههای اقتصادی استقرار یافته در شهرکهای صنعتی تقریباً هیچ گونه ارتباطی چه از نظر فعالیت و چه از نظر روابط اجتماعی و کاری ندارند. جزیره ای عمل میکنند و به صورت مستقل نسبت به فعالیتهای خود اقدام میکنند. یعنی محصول یک بنگاه، توسط بنگاه بعدی به صورت مواد اولیه خریداری نمیگردد.

زنجیره های تأمین صنعتی که از صفر تا صد تولید کالاهای مصرفی جامعه را پوشش میدهند در شهرکهای صنعتی استان شکل نگرفته اند. تقریباً این گونه است که هر واحد اقتصادی مواد اولیه خود را از بیرون استان میخرد و محصول خود را نیز مستقل به بیرون میفروشد. لذا هزینه های حمل و نقل، بازار، قراردادهای خرید مواد اولیه، فروش محصول، آموزش نیروی انسانی، تعمیر و نگهداری، طراحی و بسته بندی محصول و ... برای هر واحد اقتصادی بسیار بالاست.

در بین واحدها و کارخانه های صنعتی استان روابط پیشین و پسین یا وجود ندارد و یا اگر وجود دارد بسیار ضعیف و ناقص، البته انفاقی و تصادفی شکل گرفته است.

زنجیره های تأمین صنعتی استان به صورت دقیق و بر اساس یک برنامه مدون و مهندسی شده شناسایی نشده اند. حلقه های مفقوده و یا بحرانی آنها تعیین نشده است و هر نوع تخصیص منابع در بخش صنعتی به صورت تصادفی و بدون مطالعه دقیق در حوزه زنجیره تأمین صنعتی از گذشته صورت گرفته و در حال حاضر نیز همین رویه ادامه دارد. یعنی ننکن است مجوزهای موافقت اصولی و سرمایه گذاری های جدیدی که صورت میگیرد صرف حلقه های صنعتی گردد که هم اکنون وجود دارند و البته واحدهای راکد در آنها هم کم نباشد، و بالعکس حلقه های صنعتی که از آنها کم داریم و یا نداریم و به عنوان مفصل سایر حلقه های فعالیت صنعتی را به یکدیگر وصل میکنند، مورد توجه سرمایه گذاری جدید و یا تکمیلی نگردند.

### نکته ۳:

تقریباً مشاهده میگردد که بازارهای کار محلی تخصصی در شهرکهای صنعتی شکل نگرفته اند.

### تحلیل ۳:

یعنی واحدهای اقتصادی بدون توجه به ظرفیتی که در هر شهرک صنعتی از نیروهای ماهر میتواند شکل بگیرد، نسبت به انتخاب و بکارگیری نیروهای کار اقدام میکنند. در هر شهرک صنعتی و لاجرم در استان یک ذخیره از نیروهای تخصصی و ماهر صنعتی به صورت رسمی شکل نگرفته و متولی مشخصی ندارد.

کاربایی های استان تقریباً هیچ کدام نسبت به تسهیلگری در بازار کار مهارتی و تخصصی در شهرکهای صنعتی و یا شهرستانها که بتواند ذخیره موجود نیروهای ماهر و متخصصی را شناسایی، تعیین سطح، جایابی و سازماندهی نماید، اقدام مشخصی انجام نمیدهند.

### نکته ۴:

بر اساس آمارهای رسمی و بیان متولیان بخش صنعت کارخانه ای استان چیزی حدود ۱۸۰۰۰ نفر شاغل صنعتی در استان گزارش شده است. بر اساس بیان غیر رسمی متولیان صنعت استان این تعداد به صورت واقعی کمتر از ۱۳۰۰۰ نفر است.

### تحلیل ۴:

اگر فرض کنیم که وضعیت اشتغال ۱۸۰۰۰ عددی برای ۳۰۰ واحد صنعتی درست گزارش شده باشد که فرض سنگینی است، و نیز فرض کنیم که سایر ۷۰۰ واحد صنعتی را کد استان در صورت راه اندازی ماهیت اشتغال مشابهی پیدا کنند، در این صورت با یک حساب سرانگشتی ساده میتوان انتظار داشت که با بکار افتادن هر ۱۰۰۰ واحد صنعتی دارای جواز بهره برداری این اشتغال از ۱۸۰۰۰ به ۶۰ هزار برسد. یعنی با این بیکاری ۷۰۰ عددی که در کارخانه های استان برای سرمایه های صنعتی شکل گرفته است حداقل ۴۲۰۰۰ شغل صنعتی از دست رفته است. این موضوع تناسب بین بیکاری در سرمایه ها و بیکاری در نیروی انسانی را نشان میدهد.

### نکته ۵:

برآورد حجم سرمایه گذاری صنعتی درجا در استان

### تحلیل ۵:

آمارهای موجود حجم سرمایه گذاری درجا در استان به علت این که سرمایه گذاری انجام شده را در روز سرمایه گذاری ملاک گزارش قرار داده است و هیچکدام قیمت سرمایه های بکار گرفته شده را به روز نمیکنند، قابل جمع کردن با یکدیگر نیستند. در بین این کارخانه های راکد تنوع در حجم سرمایه گذاری فراوان است. برخی از آنها با ۱۰۰ ها میلیارد تومان سرمایه گذاری ساخته شده اند و برخی با ۱۰ تا ۱۰۰ میلیارد و برخی نیز با نزدیک یک تا ۱۰ میلیارد تومان. اگر فرض کنیم متوسط سرمایه ای که در هر واحد صنعتی راکد سرمایه گذاری شده به نرخ روز ۱۰ میلیارد تومان باشد در این صورت سرمایه گذاری انجام شده درجا در استان نزدیک ۱۰۰۰۰ میلیارد تومان و سرمایه گذاری صرف شده برای واحدهای راکد استان به نرخ روز حدود ۷۰۰۰ میلیارد تومان (بیشتر از ۲ میلیارد دلار) است. این یعنی ما منابع ارزشمند و کمیابمان را نابود کرده ایم.

### نکته ۶:

هم مکانی و همکاری بین واحدهای اقتصادی یکسان از نظر فعالیت در سطح نازلی است.

### تحلیل ۶:

با وجود انبوه قابل قبول و قابل برنامه ریزی از برخی زیربخشهای فعالیت صنعتی از تعداد بنگاههای فعال، متاسفانه به علت های ساختاری و مدیریتی هیچ گونه همکاری و هم مکانی که بتواند به شکل گیری خوشه های صنعتی دامن بزند و هزینه های تولید را

کاهش دهد، مزیت های ناشی از همکاری و به اشتراک گذاری تجارب و توانمندی ها را ممکن سازد و هویتی جمعی در قالب یک برند محلی و منطقه ای بوجود آورد شکل نگرفته است.

خوشه های صنعتی در استان کرمانشاه با وجود زمینه شکل گیری به علت های بسیاری دارای هویت مشخص و چارچوب توسعه منطقی نیستند. عاملین توسعه خوشه تقریباً کم تجربه و جوان هستند. منابع توسعه خوشه ای ناکافی هستند و سازماندهی این حوزه نارساست.

## نکته ۷:

مدیریت واحدهای صنعتی و در سطح بالاتر بخش صنعت استان کند، ناقص، بی هدف و همراه با اتلاف منابع است.

## تحلیل ۷:

اقداماتی که در حوزه های مختلف صنعتی به صورت برنامه های رسمی ابلاغ شده از تهران به سازمانهای ذیربط صورت گرفته است به علت های بسیاری از جمله وجود رابطه به جای ضابطه در انتخاب و بکارگیری نیروهای تخصصی و مدیریتی، عدم دانش تخصصی و مدیریتی، ناکافی بودن منابع در اختیار، وجود دخالت های بسیار سازمانهای نظارتی در تخصیص منابع، وجود دخالت های بسیار نمایندگان مجلس در تخصیص منابع و تعیین مدیران، تاخیر های بیمورد و فلج کننده سازمان مدیریت و برنامه ریزی در انعقاد توافقنامه ها و تخصیص حتی با وجود منابع (قبلاً معاونت برنامه ریزی استانداری)، بسته ماندن حلقه های تشخیص، برنامه ریزی، راهبری و مدیریت در بین گروه های مشخص و عدم بکارگیری نیروهای دارای توان بالاتر و متفاوت و... متاسفانه نه توانسته است مشکلی از مشکلات گذشته را حل کند و نه از تولید مشکلات جدید جلوگیری نماید.

## نکته ۸:

تقریباً به صورت یک بیماری همه گیر بخش های بازاریابی و فروش همه واحدهای صنعتی استان دچار بحران است.

## تحلیل ۸:

متاسفانه با وجود یک بیماری مشترک و همه گیر در حوزه بازاریابی و فروش واحدهای صنعتی در استان، سازمان متولی این بخش هیچ گونه برنامه ریزی مدون و مشخص منتشر شده ای جهت حل این مشکل ندارد و واحدهای صنعتی هر یک به تنهایی و به صورت جزیره ای و با صرف هزینه های بالا در حال تلاش در این حوزه هستند، بدون این که سازمان متولی این تلاشها را در یک راستا و به صورت هم افزا مدیریت و کارگشایی نماید.

برنامه های معرفی محصولات واحدهای صنعتی به خریداران بالقوه آنها در داخل و خارج، برنامه های نمایشگاههای متفاوت فروش و معرفی محصولات در استانها و کشورهای متفاوت، برنامه های تورهای صنعتی ورودی و خروجی سازگار و کافی در راستای تامین مواد اولیه و فروش محصولات بخش صنعت و... همه و همه اگر چه توسط اتاق بازرگانی به صورت رسمی دنبال میگردد، ولی سازمان صنعت، معدن و تجارت در این حوزه تقریباً هیچ برنامه مشخص پوشش دهنده و کمک کننده و راهگشایی نداشته است.

## گروه پژوهشی

### مرکز مطالعات و پژوهشهای اقتصادی اتاق بازرگانی کرمانشاه

مهر ۹۴